



دانشگاه تهران

دانشکده حقوق و علوم سیاسی

حقوق و آزادیهای عمومی از منظر امام علی (ع)

با تأکید بر نهج البلاغه

استاد راهنما :

آقای دکتر محمد جواد جاوید

استاد مشاور :

آقای دکتر ولی رستمی

نگارنده :

مریم احمدی نژاد

پایان نامه جهت دریافت مدرک کارشناسی ارشد

سال ۱۳۷۸

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به :

فاطمه ، معصوم ترین پاسدار حقیقت نبوی،

مظلوم ترین حامی حکومت علوی ،

حکومتی که تضمین کننده حقوق و آزادیهای انسانها در طول تاریخ بشریت بود.

ضمن عرض ارادت بی شائبه به ساحت امام عصر حجه ابن الحسن العسکری
(روحی له الفداه) از مساعدت و همکاری همه کسانی که در تدوین این رساله بنده را
یاری رساندند، تقدیر و تشکر می نمایم. خصوصاً از جناب آقای دکتر جاوید و جناب
آقای دکتر رستمی که با راهنمایی های بی شائبه شان نقش مهمی را ایفاء نمودند، همچنین
از همسرم که با سعه صدر و ایجاد محیط مناسب اینجانب را مساعدت رساندند.

فهرست مطالب :

۸.....	مقدمه
۲۰.....	بخش اول - حقوق شهروندی
۲۱.....	درآمد
۲۳.....	فصل اول - حق حیات
۲۹.....	فصل دوم - حق کرامت انسانی
۳۵.....	فصل سوم - حق امنیت
۴۰.....	فصل چهارم - حق تعیین سرنوشت
۴۳.....	گفتار اول - مشروعیت
۴۷.....	گفتار دوم - کیفیت بیعت و انتخاب مردم
۵۳.....	فصل پنجم - حق تعلیم و تربیت
۵۴.....	گفتار اول - اهمیت تعلیم و تربیت
۵۹.....	گفتار دوم - منزلت و جایگاه دانشمندان
۶۰.....	گفتار سوم - شرایط تعلیم و تربیت
۶۱.....	فصل ششم - حق مالکیت شخصی
۶۳.....	گفتار اول - مالکیت حقیقی
۶۴.....	گفتار دوم - مالکیت شخصی
۶۷.....	گفتار سوم - محدودیتهای موجود در حق مالکیت
۷۰.....	فصل هفتم - حق تأمین اجتماعی
۷۱.....	گفتار اول - حمایت از مستمندان و بی سرپرستان
۷۳.....	گفتار دوم - مستمری پیری و از کار افتادگی

بخش دوم - آزادیهای عمومی ۷۵

درآمد ۷۶

فصل اول - آزادی اندیشه و عقیده ۷۷

گفتار اول- آزادی اندیشه ۷۷

مبحث اول - جایگاه اندیشه در حکومت علوی ۷۸

مبحث دوم - موارد محدودیت اندیشه ۸۰

گفتار دوم - آزادی عقیده ۸۲

فصل دوم - آزادی بیان ۸۶

گفتار اول - اهمیت آزادی بیان ۸۶

گفتار دوم- آزادی انتقاد ۸۸

گفتار سوم- اصل امر به معروف و نهی از منکر ۹۱

گفتار چهارم- حدود آزادی بیان ۹۴

مبحث اول- رعایت کرامت انسانی ۹۴

مبحث دوم- اجتناب از نیرنگ و ایجاد فتنه ۹۶

مبحث سوم- پرهیز از دروغگویی ۹۷

مبحث چهارم- اجتناب از بدعت گذاری ۹۸

فصل سوم - آزادی کار ۱۰۰

فصل سوم - آزادی کار ۱۰۱

گفتار اول: مبارزه با بیگاری و منع کار اجباری ۱۰۲

گفتار دوم: تشویق به کار و تلاش ودوری از بیکاری ۱۰۴

گفتار سوم: تأثیر المؤمنین و کار اقتصادی ۱۰۶

گفتار چهارم: حمایت حکومت از برخی مشاغل ۱۰۷

گفتار پنجم: محدودیت های آزادی کار ۱۰۹

گفتار ششم: عامل فقر ۱۱۰

فصل چهارم - آزادی احزاب و گروهها ۱۱۲

گفتار اول - احزاب موافق و همراه در حکومت علوی ۱۱۳

- گفتار دوم: احزاب بی تفاوت ۱۱۴
- مبحث اول: قاعدین ۱۱۴
- مبحث دوم: قومیت حمراء ۱۱۵
- مبحث سوم: عثمانیان ۱۱۶
- گفتار سوم: احزاب مخالف و ستیزه جو ۱۱۷
- مبحث اول: ناکثین ۱۱۸
- الف - شکل گیری ناکثین ۱۱۹
- ب - هدف از قیام ناکثین ۱۲۲
- ج - موضع گیری ناکثین ۱۲۳
- د- موضع امام در قبال ناکثین ۱۲۵
- مبحث دوم: قاسطین ۱۲۹
- الف- شکل گیری قاسطین ۱۳۰
- ب- موضع گیری امام در قبال اصحاب صفین ۱۳۴
- مبحث سوم: مارقین ۱۳۸
- الف - شکل گیری خوارج ۱۳۹
- ب- موضع گیری امام در قبال اصحاب نهروان ۱۴۰
- نتیجه گیری : ۱۴۴
- منابع : ۱۴۸
- کتاب فارسی: ۱۴۸
- مقاله ، نشریه ، سایت: ۱۵۵
- کتاب عربی: ۱۵۷

مقدمه

حقوق و آزادیهای عمومی از مباحثی است که ویژگی حقوقی-سیاسی داشته و بدلیل برتری بعد عمومی آن، از شاخه های رشته حقوق عمومی محسوب می شود و لازمه اش وجود حکومتی است که آن را به رسمیت شناخته و در عرصه جامعه به مرحله اجرا در آورد. البته وجود حکومت اگر چه یک امر ضروری است. لکن، در صورت مطلق بودن قدرت به ویژه در یک حکومت غیر دینی ممکن است باعث ظلم و استبداد فرمانروایان گردد؛ لذا این رشته از حقوق می تواند وسیله ای باشد جهت تحدید استبداد که توسط اعمال محدودیت بر اختیارات و قدرت دولت صورت می پذیرد. از این رو حقوق و آزادیهای عمومی مجموعه قواعدی است که وظیفه اصلی آن اعطاء آزادی به مردم و همچنین محدود کردن قدرت دولت در جهت جلوگیری از تبدیل آن به یک قدرت نامحدود که نتیجه ای جز خودکامگی ندارد می باشد.

لذا، می توان گفت از جمله تفاوت های اساسی حکومت مطلقه و دموکراسی، همین مسئله حقوق و آزادیهای عمومی است. البته شایان ذکر است، همانطور که قدرت سیاسی دولت اگر مطلق باشد به استبداد کشیده می شود، این آزادیها هم به صورت مطلق نخواهد بود و محدودی برای آن فرض می شود که در صورت نبود این حدود جامعه به هرج و مرج کشیده شده، نظم جامعه از بین رفته و قانون جنگل حاکم می شود. این دو مسئله نشان دهنده اهمیت پرداختن به موضوع آزادیهای عمومی و حدود آن است که افراط و تفریط در آن موجب بروز مشکلات عدیده ای خواهد شد.

در آغاز جهت ورود به بحث و همچنین روشن تر شدن مطلب، لازم است تعاریفی از مفاهیم حق و آزادی و همچنین حقوق و آزادیهای عمومی ارائه و سپس به ضرورت مطالعه این مساله در سیره امیرالمؤمنان علی (ع) بپردازیم.

الف- تعریف مفاهیم کلیدی

۱- مفهوم حق

أمیرمؤمنان علی (ع) در قسمتی از خطبه‌ای که آن را در صفین ایراد کرده اند ، حق را این چنین توصیف می کنند : « أمّا بعد، فقد جعل الله سبحانه لي عليكم حقّاً بولاية أمركم، و لكم عليّ من الحقّ مثل الذي لي عليكم، فالحقّ أوسع الأشياء في التّواصف، و أضيّقها في التّنصف، لا يجري لأحد إلّا جرى عليه، و لا يجري عليه إلّا جرى له.»^۱

« اما بعد خداوند، برای من، بر شما، به واسطه سر پرستی امورتان حقی قرار داده، و در مقابل، برای شما همانند آن حقی بر گردن من گذاشته است بنابراین دائره حق در توصیف و در مرحله سخن از هر چیز وسیع تر است ولی به هنگام عمل کم وسعت ترین دائره هاست. حق به نفع کسی جریان نمی یابد جز این که در مقابل برایش «مسئولیتی» به وجود می آورد. و حق بر زیان کسی جاری نمی شود جز این که به همان اندازه به سود او جریان می یابد.»^۲

لذا بر مبنای سخن امام (ع) منظور از حق این است که ، حق مقوله ای طرفینی است بدین بیان که ، « کسی نیست که تنها تکلیف داشته باشد و کسی هم یافت نمی شود که تنها حق داشته باشد. لذا خداوند حقوق را چنان وضع کرده که هر حقی در برابر حقی دیگر قرار می گیرد، و هر حقی به نفع یک فرد یا یک جمعیت ، موجب حقی دیگر است که آنها را متقابلاً متعهد می کند. در نتیجه ، هر حقی آنگاه الزام آور می گردد که دیگری هم وظیفه خود را در مورد حقوقی که بر عهده دارد انجام دهد.»^۳ البته این مفهوم از حق را نیز هوفلد و پیتر جونز^۴ در ذیل بحث حق ادعا، مطرح کرده اند. در این خصوص جونز بیان می دارد:

^۱ - خطبه ۲۱۶

^۲ - آشتیانی ، محمد رضا ، امامی ، محمدجعفر ، ترجمه گویا و شرح فشرده ای بر نهج البلاغه ، زیر نظر ناصر مکارم شیرازی ، جلد دوم ، چاپ دوازدهم ، مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع)، قم ، ۱۳۷۹، ص ۳۸۳-۳۸۵.

^۳ - جاوید ، محمد جواد ، نظریه نسبیت در حقوق شهروندی، چاپ اول ، مرکز مطالعات حقوق بشر ، تهران ، ۱۳۸۷، ص ۴.

^۴ - فیلسوف و حقوقدان معاصر کانادا.

« حق ادعا، حقی است که فرد بر گردن شخص یا اشخاصی دارد که وظیفه مربوط به آن حق را به صاحب حق بدهکار اند.»^۵

۲- مفهوم آزادی

در خصوص مفهوم آزادی نیز در مکاتب مختلف بنا بر دیدگاههای مختلف و نوع انسان‌شناسی و جهان بینی شان تعاریف گوناگون و گاه متفاوتی ارائه شده است. گاه آزادی را مطلق فرض کرده و گاه انسان را فاقد هرگونه آزادی معرفی می‌کنند. که در ذیل چند نمونه رایج از تعریف آزادی را در اندیشه غربی مرور می‌کنیم: «جان لاک»^۶ در مقاله ای در باب ادراک بشری مدعی است: تا آنجا که انسان قدرت فکر کردن یا فکر نکردن، حرکت کردن یا حرکت نکردن بر اساس ترجیح یا هدایت ذهن خود را داراست تا آن حد انسان آزاد است.^۷ در ارتباط با جامعه سیاسی، آنچه برای لاک به عنوان آزادی قابل درک و توجیه است همانا آزادی انسان در سایه حکومت است. این آزادی به معنای آزادی بی حد و حصر نیست، که هر کس هرچه را می‌پسندد و آرزو می‌کند انجام دهد بلکه آزادی ای است که توسط قواعد دولت یعنی قوه مقننه تحدید گردیده باشد.^۸ توماس هابز^۹ منظور از آزادی را در حقیقت نبودن مانع (چیزی که از جنبش جلوگیری کند) می‌داند. انسان آزاد به عقیده وی کسی است که اگر بخواهد کاری کند که توان انجام آن را دارد، چیزی مانع او نباشد.^{۱۰} سرانجام «روسو»^{۱۱}، مثل گذشتگان خود (از لاک گرفته تا هابز) در پی این نیست که بین حقوق متناقض (حقوق فرد، حقوق جامعه) آشتی برقرار کند، بلکه سعی دارد میان آن دو نوعی رابطه

^۵ - Peter Jones , Rights , London , macmaillan press ,1994 ,258 pp.

^۶ - فیلسوف انگلیسی (۱۶۳۲-۱۷۰۴م)

^۷ - محمودی ، علی ، نظریه آزادی در فلسفه سیاسی هابز و لاک، چاپ اول ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، تهران ، ۱۳۷۷، ص ۷۱.

^۸ - همان، ص ۸۵.

^۹ - فیلسوف انگلیسی ، (۱۵۸۸-۱۶۷۹م).

^{۱۰} - صناعی ، محمود ، آزادی فرد و قدرت دولت ، انتشارات سخن ، تهران ، ۱۳۳۸، ص ۸۶.

^{۱۱} - فیلسوف فرانسوی ، (۱۷۷۸-۱۷۱۲م).

عین هم بودن یا به عبارت دیگر، ساختار متقابل بوجود آورد؛ که اجازه دهد، قانون بر پایه آزادی و آزادی بر پایه قانون مستقر شود.^{۱۲} وی در کتاب «قرارداد اجتماعی» بیان می دارد: «وقتی کسی هر کاری که مطابق میلش باشد انجام دهد، غالباً کاری انجام می دهد که مطابق میل دیگران نیست و این نامش آزادی نیست. آزادی بیشتر به معنای زیر سلطه یگران قرار نگرفتن است تا اعمال اراده خویش؛ در روابط اجتماعی هیچ کس حق انجام کاری را ندارد که آزادی شخص دیگری را منع کرده است؛ آزادی واقعی در ذات خود هرگز ویرانگر نیست و آزادی بدون عدالت بی معناست.»^{۱۳}

پیتر جونز نیز در فصل دوم کتاب حقوق «آزادی را حقوقی تعریف می کند که در غیاب هرگونه وظیفه ای که سد راه انجام فعالیت مطلوب باشد، وجود دارند.»^{۱۴} در توضیح این سخن، باید بگوییم که برخلاف حق ادعا که در مطالب پیشین بیان گردید، حق آزادی، یعنی حوزه نبود امر، که در اصطلاح حقوق اسلامی این حیطه را می توان منطقه الفراغ نامید.^{۱۵} یعنی، میادینی که تهی از تکلیف شرعی و قانونی است و دین در آن حوزه دخالت ندارد.^{۱۶} بر این اساس آزادی به دو قسم فردی (حقوق بشری) و اجتماعی (حقوق شهروندی) تقسیم می شود: آنجا که انسان مکلف است خود را برده و بنده قرار ندهد^{۱۷}، آزادی جنبه

¹² - روسو، ژان ژاک، قرارداد اجتماعی متن و در زمینه متن، (هیأت تحریریه: ژرار شومین، آندره سینک، کلود مورالی، ژوزه مدینا)، ترجمه: مرتضی کلاتریان، چاپ چهارم، مؤسسه انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۵، ص ۳۷.

¹³ - همان، ص ۲۳۹.

¹⁴ - peter jones , Rights ,Ibid, p 258.

¹⁵ - جاوید، همان، ص ۳۰ و ۳۱.

¹⁶ - اسلامی، احمد، ظرفیت دموکراتیک اندیشه علوی، <http://www.mashal.blogfa.com/post-6.aspx>

¹⁷ - ولاتکن عبد غَیرک و قَدْ جَعَلَکَ اللهُ حُرّاً: نامه ۳۱.

درونی دارد و آنجا که دیگران از جمله دولت، مکلفند نسبت به او و مسیرش قید و بندی ایجاد نکنند، آزادی جنبه بیرونی و عمومی خواهد داشت.^{۱۸} منظور ما نیز از آزادی در این پایان نامه تعریف اخیر می باشد.

۳- مفهوم حقوق و آزادیهای عمومی

اکنون با توجه به مطالب فوق می توان تعاریف ارائه شده توسط صاحب نظران و اساتید را از حقوق و آزادیهای عمومی بیان نمود. لازم به ذکر است که این تعاریف گویای مفهوم منسجم و واحدی نبوده و تفاوت هایی در آنها مشاهده می شود. برای روشن شدن این مفهوم در ذیل به سه نظر از تعاریف معروف اشاره می نمایم:

الف) عده ای معتقدند: حقوق و آزادی عمومی عبارت از آزادی متداول بین همگان، به ترتیبی که بتوانند در کنار یکدیگر به تساوی از آن برخوردار شوند، بدون آنکه هیچ یک در استفاده از آن، مانع آزادی دیگران باشند. همچنین به عقیده این گروه آزادی عمومی گاه جلوه فردی نیز به خود می گیرد. به این معنا که هر کس به تنهایی می تواند از آن بهرمنند گردد؛ نظیر آزادی بیان و گاه ممکن است افراد به اشتراک و همراهی یکدیگر از آن برخوردار باشند نظیر آزادی تشکل.^{۱۹}

ب) برخی دیگر از صاحب نظران، حقوق و آزادیهای عمومی را به عنوان قدرتهایی که برای افراد ملت شناخته شده و وسیله مقاومت مردم در برابر تجاوزهای دولت می باشد، معرفی می کنند. به اعتقاد آنان مردم با استفاده از این قدرتها می توانند توانایی های بالقوه خویش را بدون ترس و واهمه از تجاوز دولت به حقوقشان به فعل در آورند. بنابراین برای تحقق این مهم، آزادیها باید توسط قانون و دستگاه قضایی و دولت تنظیم و تضمین شوند.^{۲۰}

۱۸ - جاوید، همان، ص ۳۱.

۱۹ - هاشمی، سید محمد، حقوق بشر و آزادیهای اساسی، نشر میزان، چاپ اول، تهران، ۱۳۸۴، ص ۲۱۳.

۲۰ - جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، کتابخانه گنج دانش، چاپ هفتم، تهران، ۱۳۷۴، ص ۸۳.

ج) و در نهایت دسته ای دیگر ، « مجموع آزادیهای که در یک جامعه افراد از آن بهره مند هستند، را اصطلاحاً حقوق و یا آزادیهای فردی و یا حقوق اساسی فرد و یا حقوق عمومی شهروندان و یا حقوق بشر و شهروند و یا آزادیهای عمومی می نامند.»^{۲۱} که نتیجه اعمال این آزادیها را کسب نوعی استقلال و خود سامانی در زمینه های مختلف اجتماعی برای مردم بیان می دارند.^{۲۲}

ب- مصادیق حقوق و آزادیهای عمومی

البته همانطور که تعاریف موجود خصوص حقوق و آزادیهای عمومی متنوع می باشد ، عناوین مورد مطالعه در ذیل این رشته از حقوق نیز مختلف می باشد که به چند نمونه از آن اشاره می نمایم :

الف) نویسنده کتاب حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران ، ذیل مبحث حقوق ملت ، آزادیهای عمومی که در قانون اساسی ذکر شده اند را بدین گونه بر می شمرد:

۱-آزادی فردی، ۲-آزادی تعلیم و تربیت ، ۳-آزادی بیان و آزادی مطبوعات ، ۴-آزادی احزاب و انجمن ها ، ۵-آزادی انتخاب شغل^{۲۳}

ب) همچنین دکتر مؤتمنی در کتاب حقوق اساسی ، آزادیهای عمومی به سه گروه زیر تقسیم شده که موارد آن به این صورت می باشد :

²¹ - طباطبایی مؤتمنی ، منوچهر ، آزادیهای عمومی و حقوق بشر، انتشارات دانشگاه تهران ، تهران ، ۱۳۷۰. ص ۵.

²² - همان.

²³ ۲۵ - مدنی ، سید جلال الدین ، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران ، چاپ ششم ، نشر پایدار ، تهران ، ۱۳۸۰، ص ۷۶-۸۶.

۱- آزادی تن که عبارتند از : حق زندگی ، امنیت شخصی ، آزادی رفت و آمد ، آزادی و مصونیت مسکن ، مصونیت مکاتبات ، مکالمات و مخابرات و اسرار شخصی و حق دفاع و اجرای عدالت.

۲- آزادیهای فکر که مشتمل است بر : آزادی عقیده و بیان ، آزادی وجدان و ایمان ، آزادی اطلاعات ، آزادی اجتماعات ، آزادی آموزش و پرورش و آزادی سیاسی.

۳- آزادیهای اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی همچون : حق گرفتن کار ، حق انتخاب کار و شغل ، حق تأمین اجتماعی ، حق مالکیت شخصی ، آزادی کسب و کار و بازرگانی و غیره.^{۲۴}

ج) و اما نویسنده کتاب حقوق اساسی و نهادهای سیاسی ، نیز اساسی ترین حقوق و آزادیهای عمومی بشر را به چهار عنوان کلی زیر تقسیم کرده که هر کدام در بر گیرنده مواردی است:

۱- آزادیهای مربوط به اعمال فردی ؛ شامل : امنیت ، آزادی و مصونیت مسکن ، تعرض ناپذیری مکاتبات ، آزادی رفت و آمد.

۲- آزادی اندیشه ؛ از قبیل: آزادی عقیده و آیین ، آزادی آموزش و پرورش ، آزادی اخبار و اطلاعات ، آزادی نمایش.

۳- آزادیهای گروهبندی که آنها را در دو مورد بررسی میکند : آزادی تجمع ، آزادی سازمان پیوندی.

۴- آزادیهای اقتصادی و اجتماعی که در ذیل آن، آزادی بازرگانی و صنعتی ، آزادی کار و آزادی سندیکایی را مورد بحث قرار می دهد.^{۲۵}

²⁴ - طباطبائی مؤتمنی ، منوچهر ، حقوق اساسی ، چاپ اول ، نشر میزان ، تهران ، ۱۳۸۰ ، ص ۱۹۸.

²⁵ - قاضی ، ابوالفضل ، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی ، چاپ هفتم ، انتشارات دانشگاه تهران ، تهران ، ۱۳۸۰ ، ص ۶۵۴-

د) و در نهایت در جلد اول کتاب حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، نگارنده این حقوق و آزادیها را به عناوین ذیل دسته بندی نموده است:

- ۱- آزادیهای فردی که مشتمل هستند بر: امنیت شخصی، آزادی رفت و آمد، آزادی اعمال فردی، استقلال در زندگی خصوصی، آزادی اقتصادی،
- ۲- آزادیهای گروهی که تقسیم می شوند به: آزادی وجدان، آموزش و پرورش، اخبار و اطلاعات، تجمع و تشکل،
- ۳- آزادیهای سیاسی که عبارتند از: حق رأی، حق داوطلبی، حق عضویت در احزاب سیاسی، آزادی رقابت اندیشه ها، آزادی انتخابات و آزادی تعیین زمامدار، ...^{۲۶}.

ج- ضرورت و ویژگی پژوهش در خصوص حقوق و آزادیهای عمومی در نهج البلاغه

نیازی نیست تا در باب جایگاه امام علی (ع) و اسوه و قدوه بودن ایشان در مکتب اسلام سخن به میان آوریم. در عین حال، به طور مثال، روایتی معتبر را که هر دو گروه شیعه و سنی از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده‌اند، را بیان می کنیم:

«من اراد ان ينظر الی وجه آدم فی علمه و الی نوح فی تقواه و الی ابراهیم فی حلمه و الی موسی فی هیئته و الی عیسی فی عبادته و الی محمد صلوات الله علیهم أجمعین فی تمامه و کماله فلینظر الی وجه علی بن ابی طالب (ع): هرکس بخواهد بنگرد به صورت آدم در علمش، و به صورت نوح در تقوایش، و به صورت

²⁶ - هاشمی، سید محمد، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، چاپ سوم، نشر دادگستر، ۱۳۸۰، ص ۳۰۴ و ۳۰۵.